

کاوشی بر فرآیند آموزش و پژوهش شیوه‌های نوین در دانشگاه فرهنگیان استان گلستان: منظرها و چالشهای موجود از نظر استادان در سال تحصیلی ۹۸-۹۹

حسن برهانی^۱، زهرا رستمی^۲

^۱ مدرس گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان گرگان (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری ریاضی و دبیر ریاضی آموزش و پرورش میامی

چکیده

مأموریت اساسی دانشگاه فرهنگیان؛ تربیت معلمان فکورو کنشگر است. استراتژی پژوهش حاضر شناسایی و بازنمایی کیفی- شیوه‌های نوین در آموزش و پژوهش و رونمایی چالش‌ها و موانع موجود در اشاعه و ترویج این شیوه‌ها در گرایش و نگرش مدرسان آن است. این پژوهش از نوع توصیفی بوده و با رویکرد کیفی و بهره‌گیری از روش مطالعه پدیدارشناسی، اجرا شد. انتخاب نمونه با الهام از نظریه «داده بنیاد» استراوس و گلیسربا روش نمونه‌گیری هدفمند تا به اشباع رسیدن داده‌های پژوهش ادامه پیدا کرد. جامعه پژوهش شامل کلیه مدرسان دانشگاه فرهنگیان استان گلستان در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ می باشند که تعداد ۲۰ نفر از استادان (رسمی-پیمانی- آزمایشی، مأمورو مدعو) رشته‌های مختلف به عنوان نمونه با انتخاب دانشجویان و به کمک فرم مشاهده آموزش برگزیده شدند. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با پرسش- های باز و استاندارد شده بود و داده‌های حاصله طی مراحل سه‌گانه کدگذاری نظریه داده بنیاد تحلیل و طبقه بندی شد. و در نهایت تحلیل داده‌ها نشان داد که مهمترین چالش‌های استادان در پیشبرد شیوه‌های نوین در آموزش و پژوهش در سه حیطه ویژگی‌های استادان، انتظارات دانشجویان و تعامل بین استاد و دانشجو توصیف شد. که تأمل و تفحص پژوهشگران، سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان آموزشی را می‌طلبد تا چالش‌های متفاوت و متنوعی را که بر هر یک از این جنبه‌ها مترتب است با اتخاذ رویکرد سیستمی و همسوسنگر به عوامل پدیدآورنده آن، امکان اجرای شیوه‌های نوین در آموزش و پژوهش را در این دانشگاه نوپا و مأموریت‌گرا، به نحو مطلوب فراهم سازند.

واژه‌های کلیدی: نظریه داده بنیاد، تدریس و یادگیری، منظرها و چالش‌ها، شیوه‌های نوین در آموزش و پژوهش، استادان دانشگاه فرهنگیان

۱. مقدمه

به جرئت می توان گفت که پرداختن به موضوع شیوه های نوین در آموزش و پژوهش یکی از اساسی ترین مسائلی است که می توان در دانشگاه فرهنگیان به آن پرداخت و همچنین در این رابطه مسئله مهمی که جای بحث دارد مسئله چالش ها است. پرداختن به این موضوع می تواند راهبردهای آموزشی غیر قابل وصفی را در اختیار پژوهشگران قرار دهد.

ضعف مهارت های پژوهشی در موسسات علمی و دانشگاهی، علی الخصوص دانشگاه نوپای فرهنگیان بنا به دلایلی مانند کمبود تعداد محققان دانشگاهی، کمبود اعتبارات و توزیع نامناسب آن، فقدان سیاست های روشن و منسجم که افق های جدیدی را به روی تحقیقات علمی در این دانشگاه بگشاید، از جمله مباحثی است که همچون درسایر دانشگاه های کشور همواره مطرح است. البته ارزیابی کمی و کیفی فعالیتهای پژوهشی دانشگاه فرهنگیان و موسسات آموزش عالی کشور و قضاوت درباره آن، خود مستلزم انجام یک پژوهش علمی است. اما آن چه از شواهد امر بر می آید اگر با نگاهی تحلیل گرایانه و دور از تعصب و پیش داوری ها به نارسائی های موجود در نظام برنامه ریزی آموزشی و تدوین برنامه های درسی و شیوه ارائه مباحث در کلاس های پردیس ها و مراکز دانشگاه فرهنگیان امروز کشور بپردازیم، در خواهیم یافت که اغلب مسائل در این زمینه را بارها متخصصان اظهار کرده اند.

کیفیت آموزش و پژوهش از جمله دغدغه هایی است که همیشه نظام های دانشگاهی برای دستیابی به آن تلاش کرده اند. در دهه های اخیر تلاش های قابل توجهی برای بهبود مستمر کیفیت آموزش عالی و دستیابی به اهداف نظام های دانشگاهی به عمل آمده است [۱].

دانشگاه های امروز با مسأله دو وجهی مواجه اند از یک سو نیاز به آن دارند که خود را با الزامات محیط متحول بیرونی مطابقت دهند و از سوی دیگر سازگاری خلاق با تغییرات بیرونی مستلزم تغییر در نحوه نگرش به مسائل درونی مانند دانشجو، هیئت علمی، فرایندها، فرهنگ سازمانی، ساختارها، سبک رهبری، شیوه های تدریس، سطح تحقیقات و تعاملات، کم و کیف خدمات تخصصی است و اینها همه در یک کلام به مسأله کیفیت مربوط می شود [۲]. از نظر یونسکو نیز کیفیت در آموزش عالی مفهومی چند بعدی است که به میزان زیادی به بافت و زمینه نظام دانشگاهی، مأموریت یا شرایط و استانداردهای رشته دانشگاهی بستگی دارد [۳]. در نظام آموزش عالی کیفیت بسته به ذهنیت و نظام ارزش گذاری افراد تعبیر گوناگونی به خود می گیرد؛ ضمن این که کیفیت همواره برای اعضای هیئت علمی، دانشجویان، مدیران و مسئولان دانشگاهی به عنوان صفت متمایز و عامل اصلی در انتخاب و رقابت پنهان بین نظام های دانشگاهی مطرح بوده است.

محققان عرصه آموزش، آموزش مبتنی بر شیوه های نوین آموزش و پژوهش را مهمترین عامل در پیشرفت آموزشی و یادگیری دانشجو تشخیص داده اند [۱].

آموزش موقعی موثر خواهد بود که این ویژگیها را داشته باشند: مستقل و دارای جهت گیری فردی باشد، همکاری و تعامل بین دانشجویان و اساتید در آن وجود داشته باشد، جهت گیری آن کوتاه مدت نبوده و برای تمامی زندگی فرد هدف گذاری شود [۲]. از طرفی، تحقیقات دیگر نشان می دهد که برای ارتقا سطح آموزش، اساتید و دانشجویان باید اهداف اجزای دوره و کل برنامه را بدانند [۳]. پیشنهاد می کند که دانشجویان و اساتید به عنوان شرکای در آموزش با همدیگر کار کنند. او می افزاید، به هر حال «شرکا» همیشه در کیفیت، کمیت، و شیوه تدریس یا تناسب محل تدریس توافق ندارند. دانشجویان بیشتر روش های تدریسی را که همراه با تجسس و چالش باشد، می پذیرند.

بنابراین، باید بین تقاضای دانشجویان و توانایی اساتید تعادل وجود داشته باشد. چنانچه مطالعات نشان دادند که آموزش و تدریس با کیفیت بالا در صورت حمایت اساتید امکان پذیر است. این حمایت می تواند به وسیله ارتباط قوی تر بین دانشکده و محل کارآموزی، افزایش فرصت ها، انگیزه و پاداش، توسعه برنامه درسی و به دست آوردن مهارت های تدریس تسهیل گردد [۴]. در حقیقت پیشرفت پویای اساتید قسمت مهمی از بهبود کیفیت آموزش است. رویکرد اکتشافی به بهبود آموزش که مربوط به درک عمیق از دیدگاه ها، نظریه ها، اصول و رفتارهای اساتید است، اجازه می دهد تا روش های اساتید مورد ارزیابی قرار گیرد و باعث تصمیمات مطلع در باره نحوه آموزش اساتید شود [۵].

مطالعات زیادی در زمینه دیدگاههای اساتید در مورد آموزش و همچنین مشکلات آنان وجود دارد که می تواند نشان دهنده اهمیت نظرات آن ها در امر آموزش و پژوهش باشد. از جمله استراتژی های مهم در راستای بهبود کیفیت عملکرد اعضای هیئت علمی، استراتژی تدریس و یادگیری، به کارگیری فناوری های جدید و تقویت محیط اجتماعی یادگیری است. محیط اجتماعی یادگیری فرصت هایی را برای رشد شخصی و حرفه ای اعضای هیئت علمی فراهم می کند. در واقع بر اساس دانش پداگوژی علم و هنر یاددهی- یادگیری تدریس بر مبنای اصول علمی و مبتنی بر تحقیق انجام خواهد شد و هنر تدریس به معنای توانمندی برای کسب ظرفیتی پاسخگو، خلاق و شهودی است [۶].

انجمن پژوهش آمریکا (۲۰۰۴) نیز مهمترین عوامل بهره وری در آموزش عالی را هزینه، مدیریت کیفیت جامع و عملکرد هیئت علمی ذکر کرده است. بوردن و بوتریله (۲۰۰۵) نیز در مطالعه ای عوامل مؤثر بر بهره وری آموزش عالی را ارتباط با فارغ التحصیلان، هزینه، عملکرد هیئت علمی، پژوهش و مشارکت دانشجویان در اداره دانشگاه ذکر کرده اند. همچنین تاگومری و بیشاپ (۲۰۱۱) نه بعد را در ادراک کیفیت عملکرد اعضای هیئت علمی مؤثر دانسته اند. نقش حرفه ای استاد در تدریس، تحقیق و وظایف مدیریتی، ارتباطات مناسب استاد و دانشجو، مدیریت کلاس و ارائه دروس، شایستگی فرهنگی، نظارت و تضمین کیفیت تدریس، کیفیت بازخورد از مهمترین این ابعاد است. لذا سرمایه گذاری های منطقی در زمینه، بهبود و ارتقای کیفیت عملکرد اعضای هیئت علمی آنها را قادر می سازد که عملکرد بهتری در حوزه آموزش و پژوهش داشته باشند. با وجود اعضای هیئت علمی بالقوه توانمندتر در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، دانشجویان بهتر و بیشتر خواهند آموخت و عملکرد بهتری خواهند داشت [۴].

آموزش مبتنی بر شیوه های نوین آموزش و پژوهش در دانشگاه، طیف وسیعی از روشهای آموزشی چون آموزش مسئله محور، آموزش مبتنی بر پروژه، آموزش اکتشافی، آموزش مشارکتی، یادگیری هم یارانه، آموزش مبتنی بر بحث و... را شامل گردیده و توجه استادان در رشته های گوناگون دانشگاهی را به خود معطوف داشته است. چراکه شیوه های آموزش نوین علاوه بر فلسفه زیربنایی و مبانی نظری حمایت کننده به لحاظ کاربردی نیز مورد تأیید واقع گردیده و پژوهش های گوناگون کارآمدی این روشها را نسبت به روشهای سنتی متکی بر انتقال اطلاعات نشان داده اند. برای نمونه پژوهشگرانی چون سان چو (۲۰۰۸) و سالیوان (۲۰۰۴) با کاربرد الگوهایی آموزش فعال در دانشگاه برتری آن را در پرورش کارکردهای فکری دانشجویان را نشان داده اند. فیرراری (۲۰۱۰) و دایاز (۲۰۰۹) کاپن (۲۰۱۰) بولتر (۲۰۱۰) و حاج حسینی، زندی، حسینی و مدنی (۲۰۱۶) برتری اشکال مختلف بحث (گروهی، سقراطی، بحث در فضای مجازی) را در بهبود تعامل دانشجو- استاد و جو اجتماعی کلاس را تأیید نموده اند. مورابل (۲۰۰۰) کاران و همکاران (۲۰۰۸) حسینی (۲۰۱۲) خلید و عظیم (۲۰۱۲) لیاقتدار، عابدی، میرشاه جعفری، بهرامی (۱۳۸۳)، مهرام، موسوی نسب، (۱۳۸۷)، باقچی، کوهستانی، رضایی (۱۳۸۹)، اکبری، هاشمی نصرت آباد و باباپور (۱۳۹۳)، حکمت پو و همکاران (۱۳۹۲)، منصوری، کرمی، عابدینی بلترک (۱۳۹۱) بر برتری این روشها در دستیابی به اهداف یادگیری، افزایش مشارکت دانشجو و به ویژه مسئولیت پذیری و خود تنظیمی بیشتر دانشجویان در فرایند یادگیری خود تأکید دارند. [۵].

افزون بر آن از نظر دانشجویان، نیز روش تدریس استاد به عنوان اصلی ترین منبع تنظیم شیوه تعامل در کلاس درس، عامل مهم ترغیب انگیزه دانشجویان و افزایش جلب مشارکت آنها است. از نظر دانشجویان روشهای نوین آموزش و پژوهش در تدریس کلاسی و کارگاهی استاد و مشارکت وی در اجرای موضوعات پژوهشی زیربنای مهارتهای ارتباطی او و عامل مهم ایجاد تعمق و تفکر در دانشجویان است. چراکه استاد کارآمد در کنار ویژگیهای اخلاقی و شخصیتی مناسب از روشهای نوین تدریس فعال ساز استفاده می کند و از این طریق آموزش را از فرایند صرفاً انتقالی به فرایند پرورش تفکر تبدیل می کند [۶].

۲ - هدف پژوهش

هدف این پژوهش شناسایی و مفهوم سازی باور و نگرش استادان دانشگاه درباره شیوه های نوین آموزش و پژوهش است و به طور مشخص بازنمایی چگونگی آموزش و پژوهش با توجه به رویکردهای نوین و شناسایی موانع و چالش های موجود در برابر اجرای این روشها از نظر استادان دانشگاه می باشد.

۳ - پرسش های پژوهش

- الف) نگرش استادان دانشگاه نسبت به شیوه های نوین آموزش و پژوهش چگونه است؟
 ب) گرایش استادان دانشگاه نسبت به شیوه های نوین آموزش و پژوهش چگونه است؟
 ج) از منظر استادان موانع و چالش های پیش رو شیوه های نوین آموزش و پژوهش در دانشگاه فرهنگیان چیست؟
 د) از نگاه استادان چه عوامل و شرایطی جهت کاربرد شیوه های نوین آموزش و پژوهش در دانشگاه فرهنگیان لازم است؟

۴ - روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از منظر گردآوری داده ها، توصیفی پیمایشی است. همچنین این پژوهش در دسته بندی تحقیقات کیفی قرار دارد و با الهام از نظریه داده بنیاد انجام شده است. لذا پژوهش به روش کیفی و از نوع مطالعه پدیدار شناختی اکتشافی بوده و در آن به کشف، طبقه بندی و مفهوم سازی گرایش و نگرش استادان دانشگاه نسبت به روشهای نوین آموزش و پژوهش اقدام گردیده و در آن بدون هیچگونه دخل و تصرف از سوی پژوهشگران به مطالعه عمیق پدیده در حال وقوع پرداخته شده است. نظریه پردازی داده بنیاد را می توان رویکردی پژوهشی معرفی کرد که در آن براساس داده های واقعی و از طریق روش علمی، نظریه های جدید تدوین می شود.

در پژوهش داده بنیاد، پژوهشگر به فرایند گردآوری داده ها مشغول می شود. با استفاده از آنها مقوله ها را طبقه بندی و به طور مرتب آنها را با هم مقایسه می کند. مقایسه پیوسته شیوه ای استقرایی در تحلیل داده ها در پژوهش نظریه برخاسته از داده - هاست [۷].

جامعه پژوهش شامل کلیه مدرسان دانشگاه فرهنگیان استان گلستان (شامل دوپردیس در مرکز استان و یک واحد دانشگاهی در شهر گنبد کاووس) در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ که تعداد آنها ۲۸۳ نفر بودند که ۲۰ نفر از آنها به روش انتخاب هدفمند برگزیده شدند.

با توجه به اینکه روش نمونه گیری هدفمند و از نوع نظری است، رسیدن به اشباع نظری ملاک حجم نمونه بوده است. بنابراین، ۲۰ نفر از استادان استان با ترکیبی از دو جنسیت (۱۲ نفر مرد و ۸ نفر زن) در فرایند مصاحبه نیمه ساختار یافته شرکت کردند. در انتخاب نمونه، علاوه بر میزان دانش و اطلاعات افراد در زمینه موضوع پژوهش سنوات و وضعیت استخدامی، مرتبه علمی سمت اجرایی، جنسیت نیز لحاظ شده است، لذا ۴ نفر از اعضای هیئت علمی با وضعیت پیمانی یا رسمی آزمایشی و حداقل ۵ سال سنوات استخدامی، ۱۶ نفر از مدرسان مدعو از معلمان رسمی آموزش و پرورش با سابقه ۶ تا ۱۵ سال تدریس، که در سال جاری در دانشگاه فرهنگیان و مراکز تربیت معلم سابق در حال تدریس در این دانشگاه می باشند در مصاحبه شرکت کردند. سؤالات مصاحبه که شامل ۴ سؤال باز بود برای آنها ارسال شد. سؤالات مصاحبه به صورت کلی و کاملاً باز طراحی شده بود و دیدگاه مصاحبه شوندگان در زمینه چگونگی توجه به شیوه های آموزش و پژوهش نوین و چالش های پیش روی آنها و دانشجویان دریافت شد.

در این روش محققان مواردی را جستجو می کنند که دارای بیشترین اطلاعات در پدیده تحت مطالعه باشند و آنها بتوانند پدیده را در عمق کشف کنند [۸]. لذا انتخاب و معرفی استادان به پژوهشگران این پژوهش توسط دانشجویان و به واسطه فرم "مشاهده آموزش" صورت پذیرفت. این فرم محقق ساخته بر پایه ملاکهای توصیف کننده دو شیوه آموزش "سنتی" و "فعال"، به توصیف دو موقعیت آموزشی در کلاس درس پرداخته و همچنین با نگاهی به کیفیت شیوه های نوین پژوهش در دانشگاه، دانشجویان مطابق با ویژگیهای ذکر شده در این فرم، کلاس درس و استاد مربوطه را در دو روش آموزش سنتی و فعال و نحوه توجه آنان به امر پژوهش را برای اجرای پژوهش حاضر معرفی نمودند.

برای تحلیل داده های حاصل از مصاحبه ها از روش کدگذاری با الهام از نظریه داده بنیاد استفاده شده است. در این کدگذاری ها که شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی است، هدف یافتن مقولات و ارتباط بین آنها در سطوح مختلفی از انتزاع بود. بدین شکل که در کدگذاری باز ابتدا داده ها به بخش های مجزا خرد شد به عبارت دیگر در مرحله کدگذاری باز مقولات اصلی استخراج شدند در مرحله کدگذاری محوری مقولات استخراج شده در مرحله قبل به هم مرتبط شد و پیوند معنایی که بین مقوله ها ایجاد شده است در قالب شرایط علی، بستر، شرایط مداخله گر و راهبردها و پیامدها مشخص شد. و بالاخره در کدگذاری انتخابی که مرحله سوم و نهایی است با استفاده از یافته های مراحل کدگذاری محوری مقوله اصلی و کلیدی انتخاب و به شکل نظام مند با دیگر مقوله ها مرتبط شد. در این پژوهش در مرحله اول کدگذاری باز ۴۳۰ مقوله / کد شناسایی شد که پس از ادامه مراحل کدگذاری این تعداد به ۱۴۵ مقوله رسید و در کدگذاری محوری کدهای شناسایی شده در مرحله قبل به ۴۲ مؤلفه تقلیل یافت. و در کدگذاری انتخابی ۳ مقوله: «فرآیند شیوه های نوین آموزش و پژوهش» و «چالش ها» و «منظرها» به عنوان مقوله های هسته های انتخابی تعیین گردید، و در الگوی ارائه شده ارتباط مقوله های انتخابی با سایر مقوله ها را از طریق نمودار و روایت داستان اثبات کردیم. در واقع کدگذاری انتخابی همان الگوی ارائه شده است که فرایند یکپارچه سازی و بهبود مقوله ها را نشان می دهد.

همچنین به منظور اعتبار بخشی به الگوی تدوین شده و نتایج تحقیق (تعیین روایی و پایایی الگو) از روش مثلث سازی داده ها و نیز روش کنترل اعضا استفاده شده است. لذا تلاش شد دیدگاه ها و نظرات استادان با سابقه بیش از ۱۵ سال که عمدتاً جزء معلمان، مدیران میانی و ارشد آموزش و پرورش و بعضاً "دانشگاه بودند و نیز استادان با سابقه بیشتر از ۴ سال دریافت و بررسی شد. علاوه بر این متغیرهای استخراج شده از مصاحبه ها و نتایج حاصل به تعدادی از مصاحبه شوندگان و نیز برخی از استادان صاحب نظر ارائه گردید و پالایش لازم انجام شد.

در این پژوهش مصاحبه کیفی از نوع مصاحبه با پرسشهای باز و استاندارد شده بود. پرسشها در این نوع مصاحبه ماهیتاً محدود به فرضیه ها نبوده، بر اساس هیچ نوع متغیر از پیش تعیین شده ای نیست و به مصاحبه شونده این امکان را می دهد که احساس، ادراک و تفسیر خود از واقعیت تجربه شده را در دامنه ای که خود می پسندد و با عبارات خود بیان کند. با این حال این نوع مصاحبه به دلیل دربرگیرندگی توالی و رئیس کلی مشخص برای پرسشها، امکان تبعیض میان پاسخ دهندگان را به حداقل رسانده و می تواند پایایی بیشتری را فراهم نماید [همان منبع].

پرسشها بر پایه چهار بعد کلی و توالی منظمی از پرسشهای مرتبط، منظم گردید، تا شرایط مشابه برای تمامی پاسخگویان فراهم گردد. مصاحبه ها توسط مجریان پژوهش و مطابق با اصول مصاحبه کیفی، در گفت و گوهای ۶۰ - ۴۰ دقیقه ای صورت پذیرفت. جدول (۱).

جدول ۱: رئوس کلی پرسش ها در مصاحبه

ردیف	رئوس کلی پرسش ها	پرسش ها
۱	آگاهی از شیوه های نوین آموزش و پژوهش	تعریف شما از تدریس و آموزش به سبک شیوه های نوین آموزش و پژوهش چیست؟ آیا می توانیم بگوییم امروزه مفاهیم تدریس و آموزش به سبک شیوه های نوین آموزش و پژوهش تغییر کرده اند؟ از نظر شما آموزش به روش شیوه های نوین آموزش و پژوهش یعنی چه؟ نقش استاد و دانشجو و تعامل میان آنها در چنین آموزشی چگونه هست؟
۲	گرایش به شیوه های نوین آموزش و پژوهش	آیا شما به آموزش و پژوهش به شیوه های نوین آموزش و پژوهش و زیر مجموعه های آن علاقه مندید؟ در چه شرایطی از شیوه های نوین آموزش و پژوهش استفاده کرده و در چه شرایطی نه؟
۳	چالش های پیش رو	در استفاده از شیوه های نوین آموزش و پژوهش چه موانعی وجود دارد؟ موانع موجود در ساختار و سازمان آموزشی کدامند؟ مسائل ممکن در ارتباط با دانشجویان کدامند؟ مسائل احتمالی همکاران در مورد استفاده از شیوه های نوین آموزش و پژوهش چیستند؟ محدودیت های ارزشیابی در طی فرایند آموزش کدامند؟
۴	اصلاحات لازم	برای ارتقاء آموزش به روش شیوه های نوین آموزش و پژوهش در دانشگاه چه باید کرد؟ چه چیزهایی واقعا باید تغییر کند؟ چه شرایطی برای جذب هیئت های علمی باید وضع شود؟ دیدگاه های هیئت های علمی و دانشجویان نسبت به اهمیت و ضرورت آموزش چگونه تغییر خواهد یافت؟ نقش هریک از ارکان دانشگاه برای ارتقاء شیوه های نوین آموزش و پژوهش چیست؟ نحوه تخصیص امکانات لازم برای حمایت از شیوه های نوین آموزش و پژوهش چگونه باید باشد؟ نحوه اختصاص مشوق های شغلی و سازمانی برای توسعه و بهبود شیوه های نوین آموزش و پژوهش چگونه باید باشد؟

۵. یافته ها

در این پژوهش، از طریق نمودار و تشریح اجزاء، الگو ارائه می شود، اما همان گونه که در بخش روش توضیح داده شد، شیوه کدگذاری و تحلیل داده ها بر مبنای مراحل سه گانه کدگذاری در نظریه داده بنیاد است؛ با استفاده از این نظریه ابتدا در کدگذاری باز، داده های حاصل از مصاحبه ها خرد و به بخش های مجزا تبدیل شد و سپس بر اساس شباهت ها و تفاوت ها طبقه بندی گردید. در جدول زیر نمونه ای از متن مصاحبه پیاده شده به همراه کدهای استخراج شده نمایش داده می شود:

جدول (۲) - نمونه ای از مصاحبه انجام شده و کدگذاری باز

کد مصاحبه شونده	پاسخ مصاحبه شوندهگان به سؤالات پژوهش	کدها و مفاهیم شناسایی شده
H2	<p>بنده در بحث چگونگی بهبود کیفیت شیوه های نوین آموزش و پژوهش با آموزش ضمن خدمت اعضای هیئت علمی و دسته بندی هایی مثل کیفیت آموزشی، پژوهشی، مخالفم.</p> <p>برای اینکه ما عضو هیئت علمی با کیفیت داشته باشیم باید در زمان استخدام اعضاء، ویژگی های روان شناختی آنها را دقیق بررسی کنیم.</p> <p>عضو هیئت علمی با چه هدف و انگیزه ای وارد دانشگاه شده آیا هدف او صرفا داشتن به شغل با جایگاه اجتماعی بالا بوده یا اینکه به کیفیت بخشی برنامه ها و اهداف دانشگاه هم اهمیت می دهد.</p> <p>آیا به ماهیت و جنبه ماموریت محوری و ماموریت های دانشگاه نوپای فرهنگیان که «تربیت معلم و تربیت معلم پژوهنده و فکور» است، واقف می باشد؟</p> <p>من فکر می کنم حلقه مفقوده در بحث استفاده یا عدم استفاده از روش های نوین آموزش و پژوهش اعضای هیئت علمی عدم توجه به مسائل روان شناختی و انگیزشی عضو هیئت علمی است چراکه وقتی نسبت به آرمان ها، سیاست ها و اهداف دانشگاه آگاهی نداشته باشد، هر چقدر هم دانشگاه از او مطالبه داشته باشد باز هم باور به کیفیت بخشی آموزش و پژوهش به شیوه های نوین را نخواهد داشت. نکته دیگری که در زمینه ارتقاء و کیفیت بخشی به شیوه های نوین آموزش و پژوهش می خواهم بگویم این است وجود اساتید</p>	<p>ایده برای بهبود کیفیت</p> <p>توجه به ویژگی های روانشناختی اعضای هیئت علمی هنگام استخدام و تناسب آنها با شرایط احراز</p> <p>باور داشتن اهداف دانشگاه و توجه به کیفیت بخشی آنها</p> <p>شناخت اهداف و سیاست های دانشگاه</p> <p>حلقه مفقوده در استفاده یا عدم استفاده از شیوه های نوین آموزش و پژوهش عدم توجه به مسائل روان شناختی و انگیزشی عضو هیئت علمی</p> <p>تاکید بر وجود استادان توانمند به منزله برند دانشگاه</p>

<p>کم توجهی برخی از استادان به رشد و توسعه حرفه‌ای خودشان</p> <p>شوق و انگیزه درونی استادان</p> <p>آموزش های جبرانی در جهت دانش افزایی</p> <p>تربیت شهروند خوب، مسئولیت اساسی استادان دانشگاه فرهنگیان</p> <p>نگاه آمیشی به فرآیند بروکراسی وزارت متبوع</p> <p>شرکت در کنفرانس ها و همایش های تخصصی</p> <p>ایجاد مراکز توسعه حرفه‌ای برای استادان</p> <p>پراکنده و غیر نظامند بودن فعالیتهای پژوهشی در دانشگاه</p> <p>نابرابری مطالبات در حوزه پژوهش و آموزش از استادان قدیم و جدید</p> <p>عدم توجه به شایسته سالاری در انتصابات دانشگاه</p>	<p>توانمند در دانشگاه فرهنگیان که برند دانشگاه هستند</p> <p>تأثیر زیادی بر عملی و کاربردی شدن شیوه‌های مورد نظر دانشگاه دارد.</p> <p>یکی دیگر از عواملی که کیفیت عملکرد اعضاء هیئت علمی و مدرسان دانشگاه را در این راستا تحت تأثیر قرار داده است عدم اعتقاد و باور به توسعه حرفه‌ای در برخی از اساتید دانشگاه است.</p> <p>عامل دیگر میل و اشتیاق یا انگیزه درونی اعضای هیئت علمی است که باید تقویت شود.</p> <p>علاوه بر این از راهکارهایی که می‌تواند به ارتقای کیفیت عملکرد اعضای هیئت علمی در چارچوب شیوه های نوین آموزش و پژوهش منتج شود، آموزش های جبرانی - و اتفاقی برای کسب تجربه به ویژه اعضای جدیدالاستخدام است که متاسفانه دوره های دانش افزایی ما به این موضوع کمتر توجه کرده است .به نظر من مسئولیت اصلی عضو هیئت علمی تربیت شهروند خوب است.</p> <p>دانشگاهها با توجه به شرایط خاص خود باید نگاه آمیشی به بخشنامه ها و آئین نامه های ابلاغی از سوی وزارت علوم داشته باشد.</p> <p>یکی از راههای به روز رسانی دانش و تخصص اساتید شرکت در کنفرانس ها و همایشهاست.</p> <p>ایجاد مراکز پژوهشی و توسعه حرفه ای برای اعضای هیئت علمی در دانشگاه یک ضرورت است زیرا فعالیتهای این حوزه باید به صورت متمرکز، نظامند و مستمر دنبال شود .در حال حاضر فعالیت های توسعه حرفه ای در دانشگاه فرهنگیان پراکنده، مقطعی و غیر نظامند است.</p> <p>مقررات تسهیل کننده برای اعضای هیئت علمی جدید بسیار کم است از طرفی اعضای جدید الاستخدام را برای انجام پژوهش و بکارگیری شیوه های نوین در تدریس و آموزش تحت فشار گذاشته می شوند عامل دیگری که بر انگیزه عضو هیئت علمی و توجه او به این شیوه ها برای کیفیت بخشی عملکردش او را تحت تأثیر می گذارد انتصابات بدور از شایسته سالاری است.</p>
--	---

در مرحله اول کدگذاری باز ۴۳۰ مقوله/ کد شناسایی شد که پس از ادامه مراحل کدگذاری این تعداد به ۱۴۵ مقوله رسید و در کدگذاری محوری کدهای شناسایی شده در مرحله قبل به ۴۲ مؤلفه و ۳ بعد «فرآیند شیوه‌های نوین آموزش و پژوهش» و «چالش‌ها» و «منظرها» تقلیل یافت. این مقوله‌ها در کدگذاری محوری در قالب شرایط علی، بستر، مداخله‌گر، راهبرد و پیامد در جدول زیر معرفی شده‌اند.

جدول (۳) - کدهای استخراج شده در مرحله کدگذاری محوری

فرآیند شیوه‌های نوین آموزش و پژوهش				چالش‌ها	منظرها
شرایط علی		عوامل مداخله‌گر		راهبردها	پیامدها
ویژگی‌های شخصیتی استاد	انعطاف پذیری	نگرش و باور استاد	حفظ و ارتقاء شأن	آموزش و پژوهش	اثربخش
	عشق و علاقه به معلمی	استاد محوری	و منزلت استاد	توسعه حرفه ای	استادان
	تعهد و مسئولیت پذیری	فقدان مشوق برای استادان	توجه به رسالت علمی و پژوهشی	ارتقاء بر اساس میزان و کیفیت	فعالیت‌های پژوهشی
ویژگی‌های علمی استاد	تقوای علمی	عدم آشنایی استادان با روشهای جدید	استاد	مشارکت استاد و دانشجو	نظارت و ارزیابی
	محبوبیت اخلاقی	اعتماد به نفس پایین استاد	شیوه‌های ارزیابی از دانشجویان	تأمین نیازها و زیرساخت های لازم برای آموزش و پژوهش	کیفی دانش
	روحیه شاگرد محوری	در نحوه کاربرد روشها و ابزارهای جدید	تأمین نیازها و زیرساخت های لازم برای آموزش و پژوهش	تقویت نقش و جایگاه گروههای آموزشی در تصمیم سازی	آموختگان در حوزه دانش و پژوهش
ویژگی‌های مهارتی استاد	مقبولیت علمی	عدم کاربردی بودن مباحث موجود در سرفصلها	تقویت نقش و جایگاه گروههای آموزشی در تصمیم سازی	معرفی دانشگاه شفاف و پاسخگو در امر آموزش و پژوهش	برندسازی دانشگاه
	تجربه	محتوای معین و سرفصل از پیش تعیین شده	تقویت نقش و جایگاه گروههای آموزشی در تصمیم سازی	معرفی نومعلمان پژوهنده به مراکز	پژوهش
	نگرش علمی	الگوهای ارزشیابی رایج	تقویت نقش و جایگاه گروههای آموزشی در تصمیم سازی	معرفی نومعلمان پژوهنده به مراکز	پژوهش
ویژگی‌های مهارتی استاد	سطح سواد	محتوای معین و سرفصل از پیش تعیین شده	تقویت نقش و جایگاه گروههای آموزشی در تصمیم سازی	معرفی نومعلمان پژوهنده به مراکز	پژوهش
	جدیت و علاقه	الگوهای ارزشیابی رایج	تقویت نقش و جایگاه گروههای آموزشی در تصمیم سازی	معرفی نومعلمان پژوهنده به مراکز	پژوهش
	استاد به تدریس	الگوهای ارزشیابی رایج	تقویت نقش و جایگاه گروههای آموزشی در تصمیم سازی	معرفی نومعلمان پژوهنده به مراکز	پژوهش
ویژگی‌های مهارتی استاد	روش های نوین	ساختار و سازمان آموزشی	تقویت نقش و جایگاه گروههای آموزشی در تصمیم سازی	معرفی نومعلمان پژوهنده به مراکز	پژوهش
	علاقه مندی و داشتن روحیه پژوهشگری	منابع مالی و بودجه ناکافی	تقویت نقش و جایگاه گروههای آموزشی در تصمیم سازی	معرفی نومعلمان پژوهنده به مراکز	پژوهش
	تعامل مثبت بین استاد و دانشجو	جمعیت زیاد دانشجو و تنوع آنها	تقویت نقش و جایگاه گروههای آموزشی در تصمیم سازی	معرفی نومعلمان پژوهنده به مراکز	پژوهش
ویژگی‌های مهارتی استاد	تعامل مثبت بین استاد و دانشجو	و کلاسهای شلوغ	تقویت نقش و جایگاه گروههای آموزشی در تصمیم سازی	معرفی نومعلمان پژوهنده به مراکز	پژوهش
	تعامل مثبت بین استاد و دانشجو	افزایش نگرش مدرک گرایی در	تقویت نقش و جایگاه گروههای آموزشی در تصمیم سازی	معرفی نومعلمان پژوهنده به مراکز	پژوهش
	تعامل مثبت بین استاد و دانشجو	افزایش نگرش مدرک گرایی در	تقویت نقش و جایگاه گروههای آموزشی در تصمیم سازی	معرفی نومعلمان پژوهنده به مراکز	پژوهش

تحقیقاتی کشور معرفی جایگاه و منزلت با کیفیت برای استادان و دانشجو معلمان پژوهنده	گسترش ارتباطات مؤثر و همافزا اصلاحات ساختاری در آموزش و سازمان دانشگاه	جامعه دانشجویی رویه های جذب استاد رویکرد مقاله محوری در تولید علم کمرنگ شدن نقش آموزش رویکرد امتیازگرایی و دغدغه- های رفاهی اعضای هیئت علمی	شایستگی های استاد
---	--	---	----------------------

بر اساس مضامین حاصل از بیانات استادان و نظریه برخاسته از آنها، باید گفت آموزش و پژوهش در دانشگاه به منزله یکی اصلی ترین مسئولیت های آموزش عالی، با چالش هایی در ابعاد سه گانه مرتبط با: (۱) **ویژگی های شخصیتی استاد**، (۲) **ویژگی های علمی استاد**، (۳) **ویژگی های مهارتی استاد**، مواجه است. باور استاد نسبت به نقش خود در فرایند آموزش ضمن آنکه تعیین کننده ارزش و اهمیت آموزش از نظر او بوده وزیربنای اولویت بندی او برای فعالیتها و مسئولیت های حرفه ای اش به عنوان مدرس، پژوهشگریا مدیر اجرایی است، هدایت کننده چگونگی تعامل او با دانشجویان است. استادی که وظیفه خود را انتقال اطلاعات می داند، درهرچه بهتر و بیشترانتقال دادن تلاش می کندو استادی که خود را حمایت کننده کنش فعال تک شاگردان می داند، خود را موظف به ایجاد چالش هاوتدارک فعالیت های متنوع می داند [۷]. افزون بر آن دانش و مهارت استاد در هر دو بعد محتوا و روش آموزش تعیین کننده است. این موضوع به عنوان مولفه مهم بهبود کیفیت در دانشگاه مورد تأیید واقع شده و شبکه بالندگی حرفه ای و سازمانی درآموزش عالی (۲۰۱۳) نیز آن را به عنوان یکی از سه مولفه اساسی رشد آموزش عالی طبقه بندی نموده است. بنابراین آن چنانکه ردمون (۲۰۱۲) نیز یادآور می شود. امروزه بالندگی آموزشی استادان دانشگاه به عنوان یکی از مظاهر اصلی یادگیری مستمر، ضرورت تحول و ارتقاء کیفیت آموزش در دانشگاه محسوب می گردد. تحول آموزش به سوی رویکرد نوین علاوه بر ضرورت آموزش استادان نیازمند به ساختارپویا، محیطبالنده، ملزومات، تجهیزات و مکان هایی است که متناسب با اهداف و نیاز آموزش امکان خلق موقعیت یادگیری را فراهم نموده و با ارائه فرصت های متنوع طیف مشارکت فعالیت آموزشی را گسترش دهد [۹].

در این صورت بازنگری منابع آموزشی که امکان استفاده ازفرصت های متنوع را فراهم می سازد، در کنار امکانات و تجهیزات لازم آنها از ضرورت های چنین تحولی است. نارسایی مالی در تدارک آنها نه تنها انگیزه عمل را مخدوش می سازد، بلکه استادان علاقه مند را نیز از تلاش برای تحول آفرینی باز می دارد.

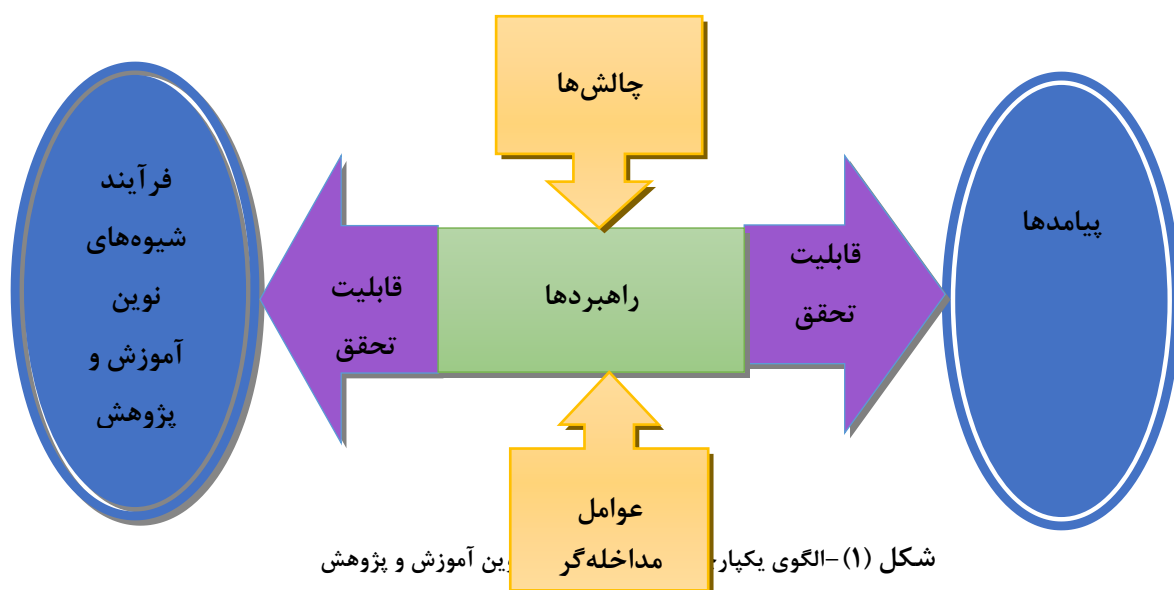
براساس این پیشنهادها باید گفت تحول و بهبود کیفیت روشهای آموزش، فراتر ازمباحث نظری به تدارک سازوکارهایی درتوسعه و بالندگی دانشگاه و بهسازی ساختار و سازمان آموزش وابسته است. چراکه ساختار و سازمان کارآمد، به عنوان بستر تحول در آموزش، به جای محدودیت های فلج کننده تصمیمات خلاق، امکان خلق فرصت های متنوع را ممکن ساخته، به کمک رویه های اداری پیش بینی شده امکان ارتباط با مسائل واقعی جامعه را فراهم نموده و راه را برای همکاری میان نهادهای ذی ربط هموار می سازد. و این یادآور این نکته خواهد بود که برای استفاده از روشهای فعال تنها گرایش به رشد و تحول در آموزش کافی نیست بلکه لازم است موانع موجود در ساختار و سازمان آموزش را از میان برداشت و بستر تحول را فراهم ساخت.

موضوع قابل تأمل در این راستا باور استاد درباره نقش خود در کلاس درس است، درواقع تغییر روش آموزش به سوی استفاده از روشهای فعال/ روشهای نوین آموزش و پژوهش، متأثر از فلسفه آموزشی پذیرفته شده از سوی استاد بوده و آن ضمن آنکه هدایت کننده چگونگی تعامل با دانشجویان است، تعیین کننده ارزش و اهمیت آموزش از نظر او بوده و زیربنای

اولویت بندی او برای فعالیتها ومسئولیت های حرفه ای اش به عنوان مدرس، پژوهشگر یا مدیر اجرایی است. بر این اساس باید یادآور شد که تغییر پارادایم آموزش به سوی رویکرد دانشجو محور، مستلزم تغییر باور و نگرش استادان به سوی برگزیدن روشهای فعال و نوین در تدریس و فعالیت های پژوهشی و به میزان پذیرش نقش "فرا فعال" آنان دارد. اینکه بتواند به پیش بینی رخدادها پرداخته و با تدارک فعالیت های متنوع و مسئله محور برای دانشجویان آنها را در انجام فعالیت های پژوهشی و مشارکت در شیوه های نوین فعال سازد و این خود به رشد دانش، مهارت و توانمندی استاد در کاربرد متناسب این روشها وابسته بوده و مستلزم شرایط و امکاناتی است او را برای چنین تحولی برانگیزد.

۶. بحث، نتیجه گیری و پیشنهادها

مقوله های شناسایی شده در کدگذاری محوری نیاز به یکپارچه سازی دارند و کدگذاری انتخابی فرایند یکپارچه سازی مقوله هاست. کدگذاری انتخابی در واقع از طریق فنونی نظیر کدگذاری بصری (نمودار)، تشریح یا روایت داستان انجام می-شود در این پژوهش الگوی خلق شده ابتدا به صورت بصری (نمودار) و سپس تشریح شده است. در واقع کدگذاری انتخابی همان خلق مدل، الگو یا نظریه است.



همانگونه که در الگوی فوق مشاهده می شود، فرایند شیوه های نوین آموزش و پژوهش برای اتخاذ راهبردهای تأثیرگذار بر پیامد عملکرد مدرسان ضروری است، لذا مؤلفه هایی که در این پژوهش از منظر استادان در ارتباط با فرایند شیوه های نوین آموزش و پژوهش شناسایی شده اند، براساس این الگوی تشریح می شوند.

برخی از مؤلفه های معرفی شده در الگو به عنوان فرایند شیوه های نوین آموزش و پژوهش هستند که تحت عنوان شرایط علی مقوله اصلی پژوهش را تحت تأثیر قرار می دهد. از جمله: ویژگی های شخصیتی استاد، ویژگی های علمی استاد و ویژگی های مهارتی استاد.

این مؤلفه ها کیفیت عملکرد عضو هیئت علمی را تحت الشعاع قرار می دهند. لزوماً انتظار می رود عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان این ویژگی ها را در خود نهادینه و تقویت کند. ویژگی های شخصیتی شامل جنبه هایی از نگرش و رفتار

استاد است که عبارتند از: انعطاف پذیری، عشق و علاقه به معلمی، تعهد و مسئولیت پذیری، برخورداری از تقوای علمی، محبوبیت اخلاقی و روحیه شاگرد پروری، ویژگی های علمی استاد عبارتند از: مقبولیت علمی، تجربه، نگرش علمی و سطح سواد، همچنین ویژگی های مهارتی استاد به عنوان فرآیندهای آموزش و پژوهش شامل: جدیت و علاقه استاد به تدریس روش های نوین، علاقه مندی و داشتن روحیه پژوهشگری، تعامل مثبت بین استاد و دانشجو و شایستگی های استاد می شود.

نگاه به این ویژگی ها با توجه به مسأله پژوهش این باور را در ما ایجاد خواهد کرد عضو هیئت علمی ای که از این ویژگی های سه گانه برخوردار باشد نقش تعیین کننده ای در پیشبرد شیوه های نوین آموزش و پژوهش در عملکرد خود به عنوان کلیدی ترین درونداد دانشگاه خواهد داشت.

دارلینگ هاموند (۲۰۰۰) نتیجه می گیرد که تعامل بین متغیرهایی مانند: توانمندی کلامی، انعطاف و عشق و علاقه به معلمی، تعهد و مسئولیت پذیری، برخورداری از تقوای علمی، محبوبیت اخلاقی و روحیه شاگرد پروری، سازش پذیری، درک ارتباط تنگاتنگ با دانشجو که همه از ویژگی های شخصیتی مدرس محسوب می شوند با تدریس به شیوه های نوین آموزش و پژوهش ارتباط مستقیم دارد [۸].

دسته دیگر مؤلفه هایی هستند که از آنها به عنوان چالش های موجود در پیشبرد روش های نوین آموزش و پژوهش یاد شده و در طی مصاحبه هایی که انجام گرفته است استادان به آنها اشاره داشته اند. این چالش ها تحت عنوان عوامل مداخله گراز آنها یاد می شود و می توانند تحقق راهبردها را تسریع یا آنها را محدود کنند نظیر: نگرش و باور استاد، استاد محوری.

فقدان مشوق برای استادان خلاق عدم آشنایی استادان با روش های جدید، اعتماد به نفس پایین استاد در نحوه کاربرد روشها و ابزارهای جدید، عدم کاربردی بودن مباحث موجود در سرفصلها، محتوای معین و سرفصل از پیش تعیین شده، الگوهای ارزشیابی رایج، ساختار و سازمان آموزشی، منابع مالی و بودجه ناکافی، جمعیت زیاد دانشجو و تنوع آنها و کلاس های شلوغ، افزایش نگرش مدرک گرایی در جامعه دانشجویی، رویه های جذب استاد، رویکرد مقاله محوری در تولید علم، و کم رنگ شدن نقش آموزش و در نهایت رویکرد امتیاز گرایی و دغدغه های رفاهی اعضای هیئت علمی است.

در مصاحبه های انجام شده یکی از عواملی که اکثریت مصاحبه شوندگان به عنوان چالش رودرروی شیوه های نوین آموزش و پژوهش به آن اشاره می کردند رویکرد جاری امتیاز گرایی در اساتید است که آن را نتیجه آئین نامه های فعلی، ترفیع و ارتقا قلمداد کرده اند، همچنین به عنوان یک چالش مهم دیگر دغدغه رفاهی اساتید را مطرح کردند که مانع از ایجاد دغدغه اساتید به استفاده از شیوه های نوین آموزش و پژوهش می شود. یکی از اجزاء مهم الگوی طراحی شده توجه به راهبردها و کنش و واکنش هایی اجتناب ناپذیر است که برای تحقق پیامدهای مورد انتظار از منظر استادان بایستی انجام گیرد تا شیوه های نوین آموزش و پژوهش در دانشگاه به یک رویکرد معمول و مرسوم تبدیل شود. از جمله راهبردهای شناسایی شده در طی مصاحبه های صورت گرفته می توان به حفظ و ارتقای شأن و منزلت استاد، توجه توأم به رسالت علمی و پژوهشی استاد بازنگری محتوا و شیوه های ارزیابی از دانشجویان، توجه توأم به تعلیم و تربیت دانشجویان، بهره گیری از یادگیری ترکیبی، جامع نگری در شیوه های ارزیابی از آموخته های دانشجویان، تأمین نیازها و زیرساخت های لازم برای آموزش و پژوهش اثربخش، تقویت نقش و جایگاه گروه های آموزشی در تصمیم سازی، انعطاف پذیر کردن آیین نامه ها با توجه به مأموریت و رسالت دانشگاه اشاره کرد، که در صورت اجرای راهبردهای یاد شده می توان انتظار داشت پیامدهای مورد انتظار در جدول (۳) محقق شود.

با تأمل در عبارات پاسخ و پس از تحلیل، تفسیر، و طبقه بندی بیانات استادان مشارکت کننده به پرسش های اساسی (پرسش های چهارگانه) پژوهش، نگاه و تلقی اکثر آنها به موضع این پژوهش نوین ابعاد جالب توجهی دارد که در مقولات زیر قابل ارائه است. اغلب مصاحبه شوندگان آموزش و پژوهش را فرایند انتقالی دانسته و آموزش را بر پایه شاخصه های رویکرد معلم محور توصیف نموده و در تعریف خود از آموزش به طور مشخص بر فرایند انتقال و دریافت میان استاد و دانشجو تأکید دارند. از منظر آنها "آموزش تکنیک یا هنر انتقال است" و ارائه اطلاعات و دانش توسط استاد؛ "اهتمام در انتقال دانسته ها" بر اساس محتوای تعیین شده در سرفصل های مصوب دانشگاه است. به عبارتی فرایند شیوه های نوین آموزش و پژوهش از منظر آنها مبتنی بر "انتقال داده میان دو طیف آموزش دهنده و آموزش گیرنده" است. بر پایه این پاسخ ها می توان رویکرد سنتی این

گروه از استادان به آموزش را به روشنی مشاهده نمود. درواقع آنها باورهای خاصی درباره فرایند یاددهی یادگیری و شرایط استفاده از شیوه های نوین آموزش و پژوهش دارند و بر پایه آن طریقه تدریس خود و چگونگی تعامل با دانشجویان را شکل می دهند. از منظر آنها در آموزش به شیوه های نوین بیشتر به عدم آمادگی شرایط اشاره شده و این موضوع نیز عمدتاً به نارسایی، عدم علاقه و بی انگیزگی دانشجویان نسبت داده می شود، لذا اگر دانشجویان با انگیزه باشند امکان استفاده دارد. براین اساس و همسو با نظر کنن و نیوبل (۲۰۰۰) می توان نتیجه گرفت که تعیین کننده اساسی روش آموزشی استاد، رویکرد نظری او درباره فرایند آموزش و پژوهش و نقش خود در این فرایند است. آنچه استاد درباره آموزش پذیرفته و آنچه را او باور ندارد، تعیین کننده رویکرد نظری او و کنش آموزشی اوست. استادانی که خود را موظف به پوشش دادن موضوع به صورت نظامدار می دانند، تلاش اصلی خود را بر انتقال هر چه بهتر آن معطوف داشته و روش سنتی انتقال اطلاعات را برمیگزینند [۱۰].

درواقع باید گفت درحالی که این گروه از استادان نقش خود را بر پایه آموزش معلم محور تعریف می کنند، و فعالیت اصلی را بر عهده استاد می دانند، به عدم علاقه و بی انگیزگی خود برای ارتقاء آموزش توجه ندارند و در این باره عدم انگیزه و مسئولیت ناپذیری دانشجویان را به عنوان دلیل اصلی در فراهم نبودن شرایط کاربرد روشهای نوین ذکر می کنند. از سوی دیگر این گروه از پاسخگویان عدم آمادگی شرایط را بر پایه اصول آموزش معلم محور یعنی تأکید بر انتقال هر چه بیشتر اطلاعات و عدم کارایی روشهای نوین را از این منظر مطرح می سازند: این روشها برای زمانی که وقت محدود نیست مناسب است. این روشها برای کلاس درس باعث هدر رفتن زمان می شوند و اعتقاد دارند این روش ها خیلی وقت گیر است و بر مبنای آنها تمام سرفصل را نمی توان پوشش داد. استادان معتقد به رویکردهای سنتی از آنجا که فعالیت خود را متمرکز بر محتوای آموزشی دانسته و خود را مسئول انتقال هر چه بیشتر آن می دانند، زمان بر بودن و نارسایی روشهای نوین در پرداختن به تمامی محتوا را به عنوان چالش های موجود در کاربرد چنین روشهایی مطرح می سازند [۱۱].

گروه دیگری از استادان مشارکت کننده در این پژوهش که به رویکردهای نوین آموزش و پژوهش اعتقاد راسخ داشتند تناسب موضوع، شرایط کلاس و شلوغی کلاس ها و دوره تحصیلی کارشناسی را از جمله چالش های مهم در کاربرد روشهای نوین قلمداد کردند.

از پاسخ های استادانی که به کاربرد آموزش به شیوه های نوین تمایل دارند، به روشنی می توان گرایش به استفاده از این روشها را استنباط نمود. برخی از استادان این روشها را به دلیل ارتقاء کیفیت آموزش برمیگزینند: "چون کیفیت آموزش برایشان مهم است، پیوسته با طرح پرسش ها و تشویق دانشجویان به انجام فعالیتهای پژوهشی و علاوه بر آن مشارکت فعال و همیشه در دسترس خودشان در پروژه های دانشجویی فضا را باز کرده و دانشجویان را به نظر دادن، سوال کردن و نقد دعوت می کنند. برخی از استادان فعال ساختن کلاس و دانشجویان را ملاک ارزیابی و حتی لذت خود از آموزش بیان می کنند. برخی دیگر نیز دلیل علاقه خود به این روشها را در کارایی شان برای آموختن خود ذکر می کنند.

آنچه از دلایل مطرح شده از پاسخ های این گروه از استادان در ارتباط با پرسش های پژوهش، میتوان استنباط نمود، قابلیت این روشها در ارتقاء آموزش و بهرمندی از تعامل فعال استاد و دانشجویان هنگام آموزش است. آن طور که علاوه بر افزایش کیفیت آموزش موجب آموختن خود استاد و لذت آنها از فرایند آموزش می شود. این مضمون به ویژه متأثر از اصل زیربنایی آموزش در رویکرد سازاگرایی اجتماعی است. چراکه مطابق با سازاگرایی اجتماعی دانش نتیجه تعامل اجتماعی است. ساخت دانش، امری مشارکتی، فرا شخصی، و تجربی است. و افراد در بستر تعامل اجتماعی از همفکری بایکدیگر بهره مند گردیده و یکدیگر را در ساخت شناخت خود یاری می رسانند [۹].

پس از تحلیل، تفسیر و طبقه بندی، مضامین حاصل از بیانات استادان مورد مصاحبه در این پژوهش، نگرش برخی از استادان به کاربرد روش های نوین آموزش و پژوهش را به استاد نسبت داده و آن را بر پایه نقش محوری استاد در کلاس درس توصیف نمودند درحالی که برخی از استادان نگرش متفاوتی داشتند و کاربرد این شیوه ها را وابسته بر نوع و کیفیت تعامل میان استاد و دانشجو، می دانند و توصیف خود از آموزش به شیوه های نوین را بر پایه فعالیت و کنش محوری دانشجو بیان کرده و استاد را حمایت گر و تسهیل کننده فعالیت دانشجو می دانند. این مضمون به عنوان شاخصه مهم روشهای مبتنی بر رویکردهای

نوین آموزش و پژوهش مطرح شده و در توضیح آن به ویژه به تغییر فلسفه وجودی معلم در کلاس درس و نقش محوری او در تصمیم گیری همه جانبه، تأکید می گردد. بر این اساس تریگ ول (۱۹۹۹) در تغییر آموزشهای مبتنی بر رویکردهای استاد محور به سوی آموزشهای متکی بر دانشجو محور، در برابر تصمیم گیری محوری استاد، نقش فعال دانشجویان در انتخاب فعالیتها و درگیری در فعالیتهای مبتنی بر مسائل واقعی را حاصل کاربرد و مشارکت در شیوه های نوین آموزش و پژوهش می داند [۱۰]. در این صورت تمرکز آموزش بر مسائل پژوهشی و واقعی است که در صحنه عمل بروز می کنند و مستلزم فعالیت دانشجو به طور مستقل یا در گروههای همکاری برای یادگیری راهبرد مسئله خواهد بود. دانشجویان برای فهم این گونه مسائل دست به کار می شوند و تحت راهنمایی مربیان آنچه را نمی دانند و آنچه را نیاز دارند تحت راهنمایی و حمایت استاد جستجو و درک می کنند.

نتایج پژوهش حاضر بیان کننده آن است که برخی از اجزای مدل یکپارچه شدن فرآیند شیوه های نوین آموزش و پژوهش که در این پژوهش معرفی شده اند با عملکرد اعضای هیئت علمی این دانشگاه با توجه به ماموریت خاص و منحصر به فردی که متصف به آن است همخوانی و مطابقت داشته و محشور و مشهور به اجرا و عمل به آن باشد، نکته قابل توجه در این مدل مؤلفه ها و عوامل خاصی است که در پژوهش های پیشین مشاهده نشده و در این پژوهش شناسایی و کشف شدند. همچنین یکی از دستاوردهای این پژوهش و مدل ارائه شده پرهیز از بخشی نگری به کیفیت است لذا سعی شد مؤلفه های اثرگذار بر کیفیت عملکرد عضو هیئت علمی (با نگاهی موشکافانه به چالش ها و منظرهای استادان) به طور همزمان بررسی شود. در پژوهش های پیشین نظیر (شمس، ۱۳۹۴، سنگری، ۱۳۹۶، حجازی، ۱۳۹۷) اگرچه از نظر شناسایی برخی از مؤلفه های اثرگذار بر فرآیند شیوه های نوین آموزش و پژوهش در عملکرد عضو هیئت علمی، شباهت های زیادی با این پژوهش وجود دارد؛ لیکن ارتباط این عوامل و تأثیر و تأثر آنها بر هم بررسی نشده است [۱۲، ۱۳، ۱۴].

در این پژوهش نتایج بررسی اسناد بالا دستی در سطح کشوری نظیر برنامه های توسعه، نقشه جامع علمی کشور، آئین نامه مدیریت دانشگاهها، سند تحول راهبردی علم و فناوری، سیاست ها و موضوعات راهبردی هیئت های امانت دانشگاهها، آئین نامه های مربوط به امور هیئت علمی در زمینه جذب، ترفیع، ارتقا، گرنت، هسته پژوهشی، فرصت مطالعاتی و نیز بررسی اسناد و قوانین و مقررات دانشگاه فرهنگیان نظیر سند چشم انداز و اهداف کلان دانشگاه در افق ۱۴۰۴، برنامه راهبردی کوتاه مدت و میان مدت دانشگاه دانشگاه برای سالهای ۱۳۹۵-۱۴۰۰ و برنامه های عملیاتی مربوطه، سند جامع اخلاقی دانشگاه، دستورالعمل های مربوط به اجرای بخشنامه ها و آئین نامه های ابلاغی نشان می دهد که ارتقاء کیفیت عملکرد اعضای هیئت علمی چه در سطح کلان دولت و وزارت علوم) و چه در سطح دانشگاهها از جمله دانشگاه فرهنگیان در حوزه عملیاتی شدن فرآیند شیوه های نوین آموزش و پژوهش، از دغدغه های مهم و اصلی است. بنابراین، دانشگاه فرهنگیان همان گونه که در سند چشم انداز خود «بر خور داری از سرمایه انسانی پیشرو در عرصه های اخلاق اسلامی، دانش و فناوری روزآمد، متخصص، وفادار و مسئولیت پذیر و تربیت معلم فکور و پژوهنده» را به عنوان یکی از اهداف کلان خود معرفی کرده، ضروری است از طریق اتصال راهبردهای منابع انسانی به راهبردهای سازمانی، زمینه تحقق چشم انداز و اهداف کلان خود را فراهم کند، در این پژوهش به ۴۷ مؤلفه اثرگذار بر کیفیت عملکرد اعضای هیات علمی دست یافتیم از جمله مهمترین مؤلفه ها که تعداد زیادی از مصاحبه شونده ها روی آن تأکید داشتند می توان به: عشق و علاقه به معلمی، دغدغه کیفیت داشتن نگاه زنجیره ای به کیفیت، تأمین زیرساخت های لازم برای ارتقاء کیفیت فرایندهای شیوه های نوین آموزش و پژوهش اشاره کرد در همین راستا راهبردهای دستیابی به کیفیت دانشگاهی نیز شناسایی شدند نظیر بازنگری در شیوه های ارزیابی از دانشجویان، گسترش ارتباطات مؤثر و هم افزا، حفظ و ارتقای شأن و منزلت استاد، جامع نگری و اتخاذ رویکرد کیفیت گرا در جذب، ترفیع، ارتقا و گرنت اساتید، تفکر استراتژیک داشتن در انتصاب مدیران، تقویت نقش و جایگاه گروه های آموزشی در تصمیم سازی های دانشگاه اشاره کرد. بنابراین، ارتقای کیفیت فرآیند شیوه های نوین آموزش و پژوهش در عملکرد اعضای هیئت علمی تنها نیازمند اتخاذ رویکرد یکپارچه و همسنگر به عوامل مؤثر بر کیفیت دانشگاهی است.

از جمله محدودیت های این پژوهش می توان به گستردگی موضوع پژوهش و محدود بودن زمان مصاحبه ها با توجه به هشداری ها و شایعات غیر رسمی و بعضاً "رسمی شیوع بیماری کرونا" اشاره کرد؛ لذا مصاحبه شوندگان در پاسخ به سؤالات با محدودیت زمانی و شرایط روحی روبرو بودند و در نتیجه بخشی از نظرات آنها ناگفته باقی ماند. از بعد اجرایی اگر سیاست گذاران و برنامه ریزان حوزه آموزش سازمان مرکزی دانشگاه و در راس آن وزارتین علوم و آموزش و پرورش دغدغه کیفیت دانشگاه و محصولات مولد و والد آن را دارند و خواستار ارتقای کیفیت عملکرد اعضای هیات علمی در بکارگیری و عملیاتی شدن جدی شیوه های نوین آموزش و پژوهش هستند، ناگزیرند با اتخاذ رویکردی یکپارچه و برنامه ریزی منسجم، ضمن رفع موانع دستیابی به این مهم، شرایط لازم را برای دستیابی به این مهم را نیز فراهم کنند. یافته های این پژوهش نشان داد که دستیابی به کیفیت عملکرد و ترغیب اعضای هیئت علمی به اجرای شیوه های نوین آموزش و پژوهش، مستلزم توجه همزمان به همه عوامل اثرگذار بر کیفیت دانشگاهی است. و بدون این نگاه همسنگر و صرفاً انتظار از عضو هیات علمی برای تحقق کیفیت برنامه های آموزشی مبتنی بر روش های نوین آموزشی و پژوهشی دانشگاهی به سرانجام نخواهد رسید. از منظر استادان مشارکت کننده در این پژوهش راهبردها و پیامدهایی ماهیتاً در دو جنبه فردی و اجتماعی - سازمانی پیشنهاد شده است که در صورت صلاحدید مسئولان و دست اندرکاران آموزش عالی در سطح وزارتین علوم و آموزش و پرورش و سازمان مرکزی دانشگاه فرهنگیان می تواند ملاک عمل مدیران صف و ستاد این نهاد ها و نیز اعضای هیئت علمی قرار گیرد.

منابع و مأخذ

- ۱- حاج حسینی، منصوره؛ بازرگان، عباس. (۱۳۹۷): دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال ۹، شماره ۱۷، بهار و تابستان، ص ۱۰۵.
- ۲- فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۸): دانشگاه ایرانی و مسأله کیفیت، تهران، آگاه، ص ۹۵.
- ۳- بازرگان، عباس. (۱۳۸۳): ارزشیابی آموزشی. تهران، سمت، ص ۱۲۷.
- ۴- احمدآبادی، آرزو؛ بذرافشان مقدم، مجتبی. (۱۳۹۴): بررسی نقش توسعه اعضای هیئت علمی در مسیر رسیدن به توسعه پایدار. دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه، صص. ۸۱-۱۰۰.
- ۵- حسینی، سید مهدی؛ بهرامی، شبنم. (۱۳۹۴): فصلنامه آموزش عالی، صص ۸۰-۵۷.
- ۶- موسی پور، نعمت الله. (۱۳۹۲): تدریس و یادگیری کدام روش کدام الگو، پژوهش های آموزش و یادگیری، صص ۴۹-۷۸.
- ۷- بازرگان، عباس. (۱۳۹۶): مقدمه ای بر روش های تحقیق کیفی و آمیخته. تهران، دیدار، ص ۱۱۰.
- ۸- گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جویس و همکاران. روش تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان شناسی. (۱۳۸۶). ترجمه: نصر، احمد رضا و همکاران، تهران، سمت و شهید بهشتی، ص ۱۷۶ و ۱۸۷.
- ۹- حاج حسینی، منصوره؛ بازرگان، عباس. (۱۳۹۷): دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال ۹، شماره ۱۷، بهار و تابستان، ص ۹۵.
- ۱۰- شعبانی، حسن. (۱۳۹۰): مهارت های آموزشی روشها و فنون تدریس، تهران: انتشارات سمت، ص ۱۲۹.
- ۱۱- حاج حسینی، منصوره؛ بازرگان، عباس. (۱۳۹۷): دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال ۹، شماره ۱۷، بهار و تابستان، ص ۱۰۳.
- ۱۲- شمس، عبدالحمید. (۱۳۹۴): راهکارهای افزایش بهره وری اعضای هیئت علمی فرایند مدیریت و توسعه، صص ۷۱-۹۷.
- ۱۳- سنگری، نگین. (۱۳۹۶): تدوین مدل شایستگی های محوری اعضای هیات علمی دانشگاه اسلامی مورد مطالعه دانشگاه الزهراء مدیریت در دانشگاه اسلامی، صص. ۴۵-۶۰.
- ۱۴- حجازی، اسد. (۱۳۹۷): شناسایی عوامل تأثیرگذار بر بهسازی اعضای هیئت علمی مورد مطالعه دانشگاه فرهنگیان،

مجموعه مقالات نخستین همایش بین المللی و دوازدهمین همایش ملی ارزیابی کیفیت در نظام های دانشگاهی.

۱. Artiles AJ, Assessing the link-between teacher cognition, teacher's behaviors, and pupil responses lessons. *Teaching and Teacher Education*. (۱۹۹۴). ۱۰(۵): ۴۶۵-۸
۲. Nunan D, Lamb C. *The Self-Directed Teacher, Managing the Learning Process*. (۱۹۹۶) Cambridge: Cambridge University Press.
۳. Stark, P. Teaching and learning in the clinical setting: a qualitative study of the perceptions of students and teachers. *Medical Education*. (۲۰۰۳). 37: 982-975.
۴. Frick TW, Chadha R, Watson C, Wang Y, Green P. Teachers' perceptions of teaching and learning in a knowledge- building community: An exploratory case study. *Learning, Media a Technology*. (۲۰۰۶). 31(2): 148-133.
۵. Gebhard JG, Oprandy R. *Language Teaching Awareness: A Guide to Exploring Beliefs and Practices*.(1999). Cambridge: Cambridge University Press.
۶. Keri, G. Degrees of congruence between instructor and student styles regarding student satisfaction. *Radical Pedagogy*.(2002). 4(1): 50-42.
۷. Trigwell, k, Prosser, M. and Waterhouse, F. (1999). Relations between teachers, approaches to teaching and students approaches to learning, *Higher Education*, 37, pp 57-۷۰.
۸. Darling-Hammond, L. (2000). Teacher quality and student achievement: A review of state policy evidence. *Education Policy Analysis Archives* 20001(8). Retrieved from <http://epaa.asu.edu/epaa/v8n1/>.
۹. O'Donnel, A. M., Reeve, J., & Smith, J. K. (2007). *Educational Psychology: Reflection for action*. USA: Wiley.
۱۰. Trigwell, k, Prosser, M. and Waterhouse, F. (1999). Relations between teachers, approaches to teaching and students approaches to learning, *Higher Education*, 37, pp 57-۷۰.

Exploring the process of teaching and researching new methods in Farhangian University of Golestan Province: Perspectives and challenges from the perspective of professors in the academic year of 1998-99

Abstract

The main mission of Farhangian University; Fakuro teacher training is active. The strategy of the present study is to identify and represent the quality of new methods in education and research and to present the challenges and obstacles in the dissemination and promotion of these methods in the attitude and attitude of its teachers. This research was descriptive and was conducted with a qualitative approach and using phenomenological study method. Inspired by Strauss and Glycerol's "data foundation" theory, the sample selection continued with purposeful sampling method until the research data was saturated. The research population includes all lecturers of Farhangian University of Golestan Province in the academic year of 1998-99. The data collection tool in this study was semi-structured in-depth interview with open and standardized questions and the obtained data were analyzed and classified during the three stages of data theory coding of the Foundation. Finally, data analysis showed that the most important challenges for professors in developing new methods - in teaching and research in three areas of teacher characteristics, student expectations and interaction between teacher and student were described. -Rezan demands educational and different challenges that are arranged in each of these aspects by adopting a systemic and harmonious approach to the factors that create it, the possibility of implementing new methods of teaching and research in this fledgling and mission-oriented university, Provide favorable.

Keywords: Foundation Data Theory, Teaching and Learning, Perspectives and Challenges, New Methods in Teaching and Research, Farhangian University Professors